

مریم شهبازی

خبرنگار

حدود دو هفته‌ای است که ساکنان «لیون»، شاهد برپایی نمایشگاهی به یاد «آنتوان دوست اگزوپری» خالق «شازده کوچولو» هستند؛ شهری که زادگاه این نویسنده فرانسوی است و حالا قرار شده میزبانی ویژه برنامه‌های دیگری را هم برای شناخت هرچه بیشتر این نویسنده و خلبان برعهده داشته باشد که تا سال آینده میلادی هم ادامه خواهند داشت. اگزوپری در حالی هفتاد و شش سال پیش بازندگی وداع گفت که همچنان مرگش در هاله‌ای از ابهام است؛ او طی جنگ جهانی دوم و مأموریتی با هواپیمای لایتینگ p-۳۸ برای کسب اطلاعات از نیروهای آلمانی در گذشت؛ هرچند که هرگز پیکرش پیدا نشد یا حداقل به اتکای برخی اظهارنظرها، فرانسویان ترجیح دادند که جسد قهرمان‌شان پیدا نشود تا همگان آسمان را آرامگاه او بدانند. او در چهل و سه سالگی، یک سال قبل از مرگ، «شازده کوچولو» را نوشت و موفق به خلق داستانی شد که باوجود سادگی ظاهری‌اش دربردارنده مضامین عمیق انسانی و فلسفی است؛ نیازی به توضیح درباره کاراکتر اصلی این داستان و تلنگری که برای انسان امروز دارد نیست چراکه به همین بهانه گفت‌وگویی با کاوه میرعباسی، یکی از مترجمان «شازده کوچولو» داشته‌ایم؛ افزون براین مطلبی هم درباره پیام‌های نهفته دراین اثر از زبان پرویز شهدی، دیگر مترجمی که نه تنها شازده کوچولو، بلکه دیگر نوشته‌های او را هم ترجمه کرده می‌خوانید.

■ **این روزها شاهد برپایی نمایشگاه‌هایی در زادگاه اگزوپری و حتی تصمیم‌گیری درباره برگزاری ویژه برنامه‌های فرهنگی دیگری به مناسبت یکصد و بیستمین سال تولد خالق «شازده کوچولو» هستیم. چه ویژگی خاصی این نویسنده فرانسوی را به چهره مشهوری تبدیل کرد؟**

نگاهی به ادبیات اغلب کشورها کافی است تا متوجه شویم که بسیاری از چهره‌های شاخص این بخش فرهنگ به دلیل خلق پرسوناژهای خاص خودشان مطرح شده‌اند. در این بین شهرت برخی نویسندگان تنها بواسطه خلق یک اثر است، همچون «سروانتس» که با رمان «دن کیشوت» به جایگاهی فراموش‌نشدنی در جایگاهی حتی فراتر از مرزهای زادگاه خود دست پیدا کرد. «آنتوان دو سنست، اگزوپری» هم شرایط مشابهی دارد چراکه عمده شهرت او هم در میان علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی به «شازده کوچولو» و خلق کاراکتر مشهور این نوشته داستانی بازمی‌گردد. بی‌اغراق اگزوپری موفق به خلق اثری جهانی شده که گذشت زمان تأثیری در آن به‌جای نگذاشته و همچنان جاوید است.

■ **و در این بین «شازده کوچولو» چرا اینقدر مطرح شد؟**

شاید یکی از ظاهری‌ترین دلایل را بتوان در خلق داستانی دانست که توانسته همه گروه‌های سنی را به خود جذب کند؛ شازده کوچولو را نمی‌توان به طیف خاصی از مخاطبان یا به سن و سال مشخصی محدود کرد. در مقایسه با دیگر آثار کودک و نوجوان، «پینوکیو» هم کاراکتر ماندگاری به شمار می‌آید هرچند که خالی از آن بُعد معنایی خاصی است که مشابهش را در شازده کوچولو می‌بینیم. اما نکته دیگر این‌که هرچقدر هم ما، به‌عنوان مخاطبان بزرگسال دست به کاوش در شخصیت و گفته‌های شازده کوچولو بزنیم تا به قول حافظ آن «آتی» را که دارد کشف کنیم باز با نکات تازه‌ای روبه‌رو می‌شویم. آن‌طور نیست که به یک‌باره به بطن همه مفاهیمی که اگزوپری در خلال این داستان جای داده پی ببریم. خود من شازده کوچولو را وقتی خواندم که هفت، هشت یا شاید هم نهایت ۱۰ سال بیشتر نداشتم؛ وقتی برای نخستین مرتبه این کتاب را خواندم خودم را در برابر دنیای عجیبی یافتم و در آن عوالم خاص کودکی استنباط خاص خودم را هم از آن داشتم. اما وقتی به سراغ ترجمه‌اش رفتم شمت‌سالگی را رد کرده بودم؛ آن زمان هم دوباره خودم را در برابر اثری شگفت‌انگیز دیدم.

■ **از این کتاب به‌عنوان دومین کتاب پر فروش جهان بعد از انجیل یاد می‌کنند؛ این آمار همچنان صادق است؟**

در گستره جهانی اطلاع دقیقی ندارم، اما در خود فرانسه همچنان جزو چند کتاب پرفروش میان مردم است، به‌رغم گذشت ۷۷ سال از چاپ نخست «شازده کوچولو». این کتاب از محبوبیت زیادی در اقصی نقاط جهان برخوردار است. جالب است که حتی گذشت زمان و انتشار کتاب‌های پر مخاطب جدید از محبوبیت آن کم نکرده، حتی نویسندگان دیگر ادامه‌هایی هم بر «شازده کوچولو» نوشته‌اند که البته به‌هیچ‌وجه ★ موفقیت اصل اثر را به‌دنبال نداشته‌اند و در حاشیه ماندن‌اند. بنابراین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که اگزوپری را مشهور کرد به خلق «شازده کوچولو» بازمی‌گردد.

■ **بخشی از شهرت اگزوپری را هم می‌توان در نتیجه زندگی حرفه‌ای او، خارج از بحث نویسندگی‌اش دانست؟**

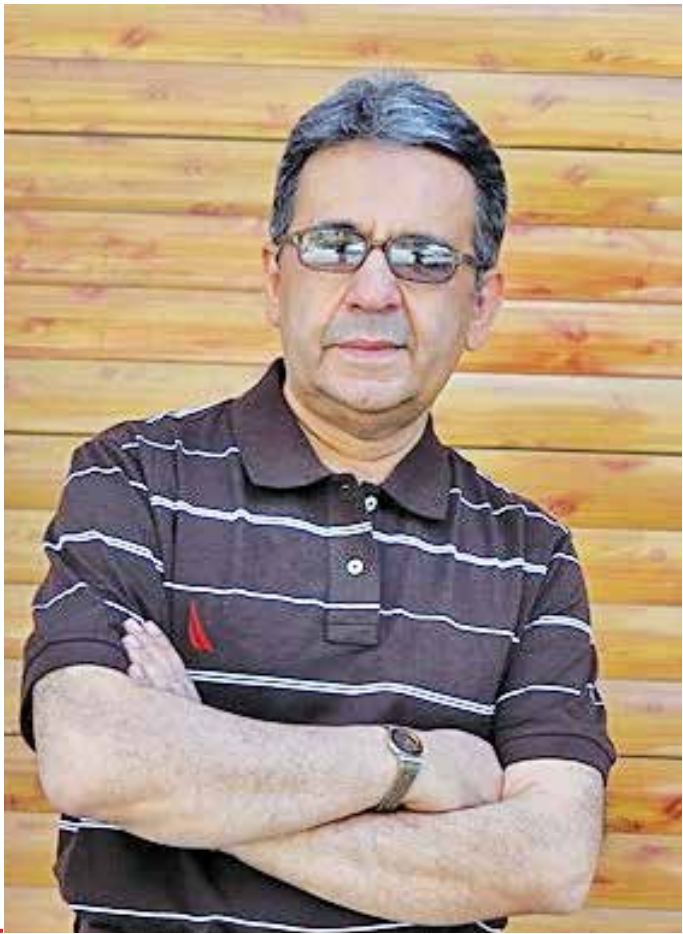
بله، اگزوپری از جهات مختلفی مورد توجه مردم است. نه فقط نویسندگی‌اش، حتی خلبان بودن او هم نقش مؤثری در معروف شدنش داشته است؛ فارغ از «شازده کوچولو» بخش مهمی از آثار اگزوپری در گرفته از تجربه‌های زیستی‌اش بر رابطه با حرفه خلبانی‌اش هستند؛ آثاری نظیر «پرواز نیمه‌شب» را از آن جمله می‌توان دانست. از همین رو همه نوشته‌های اگزوپری را می‌توان آثار

«شازده کوچولو» برآمده از روحیه شاعرانه اگزوپری است؛ اما دیگر نوشته‌های او همان‌طور که اشاره شد نشأت گرفته از تجربه‌های زیستی‌اش هستند. کتاب‌هایی که چنین نوشته شوند معمولاً اثرگذارتر از دیگر ن نوشته‌ها

گفت‌وگو با کاوه میرعباسی

درباره «آنتوان دوسنت اگزوپری»، نویسنده و خلبان فرانسوی

# شازده کوچولو، شخصیتی که خالق‌اش را جاودانه کرد



ت.ب

شاید تعلق خاطر چندانی به کتابخوانی نداشته باشند. در چنین شرایطی با توجه به وجود سلیقه‌های مختلف، مردم حق انتخاب بیشتری در خرید اثری با توجه به خواست خود دارند. هرچند که فارغ از شازده کوچولو، در ارتباط با دیگر کتاب‌ها هم وقتی بحث ترجمه از زبان واسطه درمیان باشد ضروری است که مترجمانی که به زبان اصلی آثار تسلط دارند به سراغ آنها بروند. بخش عمده‌ای از ترجمه‌های این کتاب از زبان‌های هم از زبان‌های واسطه انجام‌شده که این بر نتیجه نهایی اثر اثری جدی به‌جای می‌گذارد و کار غلطی است مگر در شرایطی که چاره‌ای نباشد.

■ **تجایی که می‌دانم شما حتی در ترجمه آثار از زبان اصلی هم نتیجه کار را با آثاری از زبان‌های دیگری که به آنها تسلط دارید مقایله می‌کنید. ترجمه از زبان واسطه را حتی در چنین شرایطی هم اشتباه می‌دانید؟**

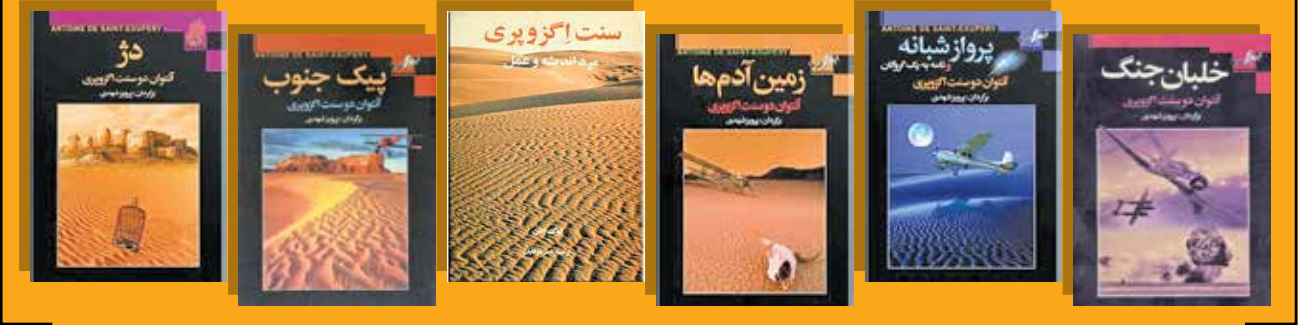
همه ترجمه‌هایی که خود من انجام داده‌ام از زبان اصلی بوده اند؛ البته بجز ترجمه‌ای که از کتاب «بچه‌های سبز»، نوشته «اولگاتور کارچوک»، نویسنده لهستانی برنده نوبل انجام داده‌ام؛ کتابی که دومه‌قبل منتشر شده و از زبان واسطه است چراکه به لهستانی، زبان اصلی اثر تسلط ندارم. با این حال برای ترجمه آن از زوالی که در بازگردان به فارسی آثار دارم پیروی کردم و ترجمه‌ام را با ترجمه‌هایی از اثر متذکر در زبان‌های دیگر هم مقایله کردم. ترجمه کتاب حجیم‌تری از این نویسنده با عنوان «از استخوان‌های مردگان» هم در شرف اتمام است. ترجمه شازده کوچولو هم بایدنکه از زبان اصلی، فرانسه انجام دادم اما طبق عادت‌ی که دارم و اشاره شد متنه کار کردم، آن‌چنان‌که به ترجمه‌های انگلیسی و اسپانیایی آن هم رفتم. ترجمه چند متنی را برای مواردی که در خصوص واژه‌ای دچار تردید می‌شوم یا برای پیدا کردن بهترین معادل

## آثار اگزوپری در کتابفروشی‌ها

علاقه‌مندان ادبیات «آنتوان دوست اگزوپری» را بیشتر به خلق نوشته مشهورش «شازده کوچولو» می‌شناسند. این در حالی است که از او دوازده نوشته دیگر هم به یادگار مانده که البته بخشی از آنها همچون «نامه‌های جوانی» و «نوشته‌های جنگ» بعد از مرگش منتشر شده‌اند. گذشت از شازده کوچولو، دیگر نوشته‌های اگزوپری، همچنان که در گفته‌های میرعباسی هم آمده نشأت گرفته از تجربه‌های زیستی و از سویی علاقه بسیار او به پرواز و آسمان هستند. از مشهورترین نوشته‌های آنها می‌توان به رمان «دژ» اشاره کرد؛ رمانی که بیش از آنکه اثری داستانی باشد، نوشته‌ای فلسفی است که از جمله مترجمان آن می‌توان به پرویز شهدی اشاره کرد. هرچند که این مترجم پیشکسوت ادبیات فرانسوی همان‌طور که در خلال یادداشت خود هم گفته،



هفت کتاب دیگر اگزوپری را هم به فارسی بازگردانده است. «زمین آدم‌ها»، «بیک جنوب»، «پرواز شبانه و نامه به یک گروگان» (دو نوشته اگزوپری در قالب یک مجلد)، «خلبان جنگ» و «پرواز، دریا، صحرا» از دیگر نوشته‌های او هستند که در بازار کتابیان در دسترس هستند. نکته جالب توجه انعکاس دانش فلسفی و از سویی مهارت و تجربه‌های زیستی اگزوپری از خلبانی در نوشته‌های او است؛ آنچنان که به‌عنوان نمونه رمان «پرواز شبانه»، ماجرای دل‌آوری‌ها کارهای تحسین برانگیز یک پیشاتر هواپی است؛ حالا به‌مانند که خود اگزوپری را هم از بینگامان هوایی فرانسه می‌دانند. «زمین آدم‌ها» هم منعکس کننده تجربیات اگزوپری است؛ آنچنان که دربردارنده مجموعه‌ای از حوادتی به شمار می‌آید که هنگام پرواز به اگزوپری گذشته است. اما اگر علاقه‌مند به کسب اطلاعات بیشتری از زندگی شخصی و خود اگزوپری هستید می‌توانید به سراغ کتابی با عنوان «سنت اگزوپری مرد اندیشه و عمل» بروید که «لوک اتان» دوست اگزوپری آن را نوشته و ترجمه‌اش هم در بازار کتاب موجود است.



فارسی آنها استفاده می‌کنم. اما درباره نوشته آن خانم لهستانی، از آنجایی که هیچ‌کدام از متن‌هایی که برای مقابله استفاده کرده‌ام زبان اصلی نیستند به‌ناچار کل کتاب را به شکل مهرمان در هر سه زبان خواندم که همین ترجمه از «استخوان‌های مردگان» را طولانی‌تر از دیگر کارها کرد. مترجمی که در بازگردان آثار خود از چند زبان بهره بگیرد با اطمینان بیشتری دست به انتشار آثار می‌زد و از این طریق می‌توان امیدوار شد که نزدیکی‌تر ترجمه به نوشته اصلی در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد.

■ **با گردیم به نوشته مشهور اگزوپری، در شرایطی که این روزها فقط ایران، بلکه کل جهان به آن مبتلا شده مطالعه آثار می‌همچون «شازده کوچولو» چندرا انگشا خواهید بود؟**

شازده کوچولو نه‌فقط در شرایط ناپس‌امان فعلی، بلکه در هر شرایطی می‌تواند به بهبود و بهتر شدن حال‌مان کمک کند. هرچند که به گمانم رمانی همچون «طاغون» نوشته «آلبر کامو» خیلی بیشتر به درد حال امروزمان و نگرانی‌هایی که کرونا در ایجاد مختلف زندگی‌مان رقم‌زد می‌خورد. برخلاف آن چیزی که به ذهن می‌رسد این رمان به‌هیچ‌وجه بدبینانه نیست؛ کامو در این رمان وضعیت‌ی مشابه حالا را به تصویر کشیده و کتاب بسیار امیدبخشی نوشته که برای روزهایمان کتاب بسیار مفیدی است.

■ **در آینده به سراغ ترجمه دیگری از آثار اگزوپری خواهید رفت؟**

نه، گمان نمی‌کنم. علاقه چندانی به آثاری که مبتنی بر موضوعاتی همچون پرواز هستند ندارم؛ بحث رمان «دژ» که خواهان ترجمه‌اش بودم قدری متفاوت است.

## تلنگری برای اینکه بفهمیم زندگی را گم کرده‌ایم

پرویز شهدی  
مترجم ادبیات فرانسه

یادداشت

کتاب‌هایی همچون «شازده کوچولو» را می‌توان مسکنی برای روح آشفته‌مان در چنین دنیای پراشتاب و ناپس‌امانی دانست. در این کتاب کم‌حجم و به‌ظاهر ساده که شاید به‌نظر برخی داستانی کودکانه باشد با عمیق‌ترین مضامین انسانی روبه‌رو هستیم. مصداق آن‌هم صحبت‌ها و برخوردهایی است که شازده کوچولو طی داستان با ساکنان سیارک‌ها می‌کند؛ افرادی که هرکدام در قیدوبند خواستهای هستند؛ یکی مشغول حساب‌وکتاب اموالش است و دیگری گرفتار غرور پادشاهی‌اش. هرکدام از این افراد را می‌توان نمادی از زندگی امروز ما آدم‌ها دانست که در دایره زندگی و روابطمان به‌نوعی دچار این توهم شده‌ایم که کار مهمی انجام می‌دهیم و... در صورتی که نهایت دلمشغولی‌ها و کارهای روزمره‌مان در حکم آب در هاون ساییدن است. به‌گونه‌ای شده که بوضوح به مشتی روایات یا مورچه‌هایی تبدیل شده‌ایم که انگار آب وارد لانه‌مان شده و آشفته به این طرف و آن طرف می‌رویم بی‌آنکه بدانیم مقصدمان کجاست. «شازده کوچولو» تلنگری است برای این که بفهمیم مفهوم زندگی را گم کرده‌ایم. پیام یا بهتر است بگوییم پیام‌های این داستان، پیشگویی‌هایی از سوی اگزوپری است تا قدری بیشتر درباره خودمان و زندگی بیندیشیم. سؤال و جواب‌های شازده کوچولو در مواجهه‌اش با آدم‌های مختلفی از طبقات گوناگون آن چیزی است که در خلوت‌مان باید درباره‌شان تأمل کنیم. شازده کوچولو کمک می‌کند از خودمان بیرسیم دهفمان از زندگی چیست! چرا دائم به‌دنبال خرید فلان جنس یا عقب‌نماندن از فلان آشنا هستیم؟ شاید سال‌ها قبل خبری از راحتی و سرگرمی‌های امروزمان نبود اما شرایط مشخصی حاکم بود و آدم‌های قدر دلمشغولی نداشتند. حلال‌غرق انواع تکنولوژی‌ها، سرگرمی‌ها و حتی امکانات متنوع شده‌ایم، با این‌حال نمی‌دانیم قرار است به کجا برویم و اصلاً نهایت خواسته و غایت آرزوهایمان چیست. تنها یکسری کارها را به شکل اتوماتیک وار انجام می‌دهیم؛ شاید با انواعی از لذت‌ها و سرگرمی‌ها روبه‌رو باشیم اما مسأله اینجاست که بهای سنگینی بابت آنها می‌پردازیم. مانند آدمی شده‌ایم که به‌دوام می‌کند، پول درمی‌آورد اما فرصتی برای خرج کردن آن ندارد. خب این پول یا کار به چه دردمان می‌خورد؛ زندگی امروز مفهوم خود را از دست‌داده و این همان تلنگر مهمی است که اگزوپری سعی کرده به ذهنمان برزد. پیشرفت علم به‌رغم همه نکات مثبتی که دارد کار دستمان داده، همان‌طور که وقتی شازده کوچولو از سیارک خودش خارج شد و گل‌های زیادی دید تازه متوجه شد که آن همه مراقبتی که از گل خودش انجام می‌داده در شرایطی است که گل‌های بسیاری وجود دارد. شرایط قبل و تصور شازده کوچولو از این‌که فقط یک گل هست که خودش صاحب آن است مانند زمان‌های قدیم بود که ارتباطات چندانی میان آدم‌ها نبود و به‌همین واسطه هم چشم و هم چشمی‌های امروزی رخ نمی‌داد که منجر به از میان رفتن آسایش شود. بخش مهمی از شازده کوچولو هم متوجه ملزومات روابط است.

که انگار برای اغلب مان رنگ‌باخته؛ رویه درجایی از این داستان حرف خوبی به شازده کوچولو می‌زند. به او می‌گویید اگر می‌خواهی با من دوست شوی اول از چیزی‌ای که همان یک گل تو از نشی فراتر چراکه بابت رشد و حفاظت آن زحمت زیادی کشیده‌ای و... متأسفانه طوری شده که اصل زندگی را فراموش کرده‌ایم. هرچند که از خواندن این قبیل کتاب‌ها هم نمی‌توان انتظار معجزه‌ای برای حل همه مشکلات داشت؛ امثال شازده کوچولو به ما کمک می‌کنند تا حداقل نگاهمان را تغییر بدیم. هرچند که مطالعه شازده کوچولو در شرایط امروز که همه، از ثروتمند گرفته تا فقیر به‌نوعی گرفتار کرونا و مشکلات اقتصادی شده‌ایم کمی تسلی‌بخش خواهد بود. اگزوپری در این داستان به‌ظاهر ساده نشان داده که بی‌توجهی‌مان به اصول زندگی و روابط میان آدم‌ها و حتی دیگر مخلوقات این جهان در نهایت چه بر سرمان می‌آورد. «لوک اتان» دوست اگزوپری، کتابی با عنوان «سنت اگزوپری مرد اندیشه و عمل» درباره‌اش نوشته است. اتان درباره اگزوپری گفته، او در عین این‌که اهل صنعت بوده،

در عین حال فردی اهل اندیشه هم به‌شمار می‌آمد و در این فکر بوده که بشر به کدام سو می‌رود. جنگ جهانی را که می‌بیند پیش خود می‌گوید دنیا به هم ریخته و... نبردی جهان شمول که گریبانگیر همه شده بود؛ درست مثل حالا که کرونا بر سر همه آوار شده است. همه اینها منجر به آن می‌شود که اگزوپری بیش از پیش به‌غایت هدف انسان از زندگی فکر کند؛ این کتاب برای همه سنین پیام دارد، چه وقتی که مخاطب آن کودکی خردسال باشد و چه حتی وقتی مردی با سن و سال من به سراغ آن برود. بعید است کسی نتواند مدعی درک همه پیام‌های درج‌شده در این داستان شود؛ خود من که نه‌تنها شازده کوچولو، بلکه بخش عمده‌ای از آثار اگزوپری را ترجمه کرده‌ام و مرتبه‌ای که به سراغ این داستان مشهور می‌روم با نکته تازه‌ای روبه‌رو می‌شوم. اما درباره میزان اثرگذاری این کتاب همین بس که بداندین خلق هر اثر ماندگار و ارزشمند به‌ماتبه به‌ای برای دیگر نویسندگان است؛ تردابی که به‌رمور زمان تکمیل می‌شود و هر نویسنده‌ای در ادامه گام‌هایی که دیگران برداشته‌اند قدم می‌گذارد. اما دلیل این‌که چرا هر هفت رمان اگزوپری را ترجمه کرده‌ام باید در شخصیت خاص و عجیب او جست‌وجو کرد، او در عین شاعر بودن نویسنده است. از سویی فیلسوف و از سوی دیگر عارف، حتی صنعتگر و خلبان است. افزون بر این جنگجویی در راستای میهن پرستی‌اش هم هست. شما با کمتر نویسنده یا حتی فردی روبه‌رو می‌شوید که چنین انبوهی از ویژگی‌های متضاد را در خود جای داده باشد؛ بنابراین عجیب نیست که آثار برآمده از ذهن و روح چنین فردی متفاوت از دیگر نویسندگان و جودان برای همه دوره‌ها باشد. درست شبیه مولانا یا فارسی‌زبانان که شერთی جهانی دارد و تکرارپذیر هم نیست؛ اینها بزرگانی هستند که هرچقدر زمان بگذرد بیش از قبل قادر به درک گفته‌های آنان خواهیم شد. امیدوارم قدر آثار به یادگار مانده از آنان را بدانیم؛ ادبیایی که تنها به یک سرزمین خاص محدود نمی‌شوند و متعلق به همه جهانیان هستند.